

مسئله‌ای فراموش شده، اما حیاتی!

بهرام رحمانی

bamdadpress@telia.com

در دهه‌های اخیر مسئله تخریب و نابودی طبیعت و محیط زیست، آلودگی و زیان‌های اقتصادی و انسانی ناشی از آن، به صورت یکی از مهم‌ترین مشکلات و معضلات انسان معاصر درآمده است. اساساً مسئله و معضل محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن، یکی از مسایل حیاتی بشر در سطح جهان است. اما این مسئله حیاتی، بویژه در کشورهایی مانند ایران، به دلیل این که فقر و فلاکت فزاینده، جهل و جنایت، جنگ و کشتار، ترور و وحشت، شکنجه و اعدام و نابرابری و تبعیض غوغا می‌کند، به طور کلی به فراموشی سپرده شده است که کمتر بحثی، سمیناری و مناظره‌ای در مورد آن صورت می‌گیرد. حتی احزاب و سازمان‌های اپوزیسیون رژیم، تشکل‌های اجتماعی، روزنامه‌نگاران و نویسندگان پیشرو نیز توجه چندانی به مسئله محیط زیست ندارند. این بی‌توجهی سبب شده است که نه تنها هیچ‌گونه کنترلی در جلوگیری از تخریب محیط زیست وجود نیاید، بلکه فراتر از آن، خود رژیم جمهوری اسلامی، با فعالیت‌های گسترده میلیتاریستی و اتمی، بزرگ‌ترین عامل تخریب انسان‌ها و محیط زیست است. بنابراین در ایران، سرمایه‌داران و رژیم حامی سرمایه دست به دست هم داده‌اند و به هر قیمتی برای ثروت‌اندوزی، از جمله تخریب محیط زیست چنگ می‌اندازند. مثلاً جنگی که آمریکا و متحدانش دیروز در ویتنام، امروز در افغانستان و عراق و فردا در جای دیگری از جهان، با به کارگیری و آزمایش مخرب‌ترین سلاح‌های کشتار جمعی، مصایب اکولوژیکی گسترده‌ای را به وجود آورده‌اند که نه تنها نسل امروزی، بلکه نسل فردا نیز با عواقب خطرناک آن دست به گریبان خواهد بود.

محیط زیست در کشوری مانند ایران، به شکل تکان‌دهنده‌ای مورد تخریب قرار می‌گیرد. اخیراً دانشگاه کلمبیا، گزارش تحقیقی خود را از وضعیت محیط زیست کشورهای جهان، از جمله ایران، منتشر ساخته است. ایران در بین ۱۴۶ کشور، رتبه ۱۳۲ را دارد. در این گزارش ۱۴۶ کشور، از نظر وضعیت زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته‌اند که کشورهای فنلاند، نروژ، اروگوئه، سوئد، ایسلند و کانادا به ترتیب در جایگاه اول تا ششم قرار دارند.

ایران در این رده‌بندی، در گروه پنجم یا در واقع در گروه آخر در کنار ۱۶ کشور در این ردیف قرار گرفته است. این تحقیق در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ نیز منتشر شده بود و اکنون گزارش ۲۰۰۵ آن، با یک تاخیر دو ساله منتشر می‌شود، قبلاً نیز بخش‌هایی از این گزارش به مجمع جهانی «داووس» ارائه شده بود. ایران، در سال ۲۰۰۱ در رتبه ۱۰۵، سال ۲۰۰۲ در رتبه ۱۰۴ و اکنون نیز در رتبه ۱۳۲ قرار گرفته است، سرعت تخریب محیط زیست در این کشور را نشان می‌دهد. در حالی که حتی برخی از کشورهای در حال توسعه آفریقایی، آمریکای لاتین و آسیایی نیز در شاخص‌های محیط زیست پیشرفت‌هایی کسب کرده‌اند.

شاخص پایداری محیط زیست، توانایی دولت‌ها برای حفظ و نگهداری محیط زیست در دهه‌های آینده را شامل می‌شود که برای سنجش آن، ۷۶ مولفه به کار گرفته شده که ۳۰ متغیر در برگیرنده مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است و ۴۰ متغیر نیز زیست محیطی را شامل می‌شود. برنامه کشورهای در راستای کاهش آلودگی آب، هوا، جنگل، چگونگی جمع‌آوری و دفن زباله‌ها، تنوع زیستی، کیفیت آب و هوا، مدیریت منابع طبیعی، بهداشت محیط زیست، کاهش گازهای گلخانه‌ای، زباله‌های اتمی و سیاست‌گذاری‌های محیطی از مهم‌ترین شاخص‌های وضعیت محیط زیست کشورهای جهان هستند.

بدین ترتیب آمارها و تحقیقات جهانی نشان می‌دهند که کیفیت محیط زیست در ایران، در مقایسه با سال ۲۰۰۲ شدیداً دچار افت شده است. در این گزارش تحقیقی دانشگاه کلمبیا از وضعیت محیط

زیست کشورهای جهان، اعمال سیاست‌هایی مانند کاهش مصرف انرژی و مدیریت محیط زیست و منابع طبیعی و کیفیت قوانین و مقررات زیست محیطی نیز مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته است. ایران از این نظر پایین‌ترین رتبه‌ها را کسب کرده است.

طبق آخرین آمار ارائه شده توسط بانک جهانی، که در سال گذشته منتشر گردید، روند تخریب جنگل‌ها در ایران، در ۵۰ سال اخیر آن‌چنان شدت گرفته است که روزانه ۳۴۰ هکتار و در هر سال ۱۲۰ هزار هکتار جنگل تخریب شده است و همین امر سبب شده تا سطح جنگل‌های کشور به ۷۱۱ میلیون هکتار کاهش پیدا کند.

گزارش‌ها در مورد ایران، حاکی از آن است که سالانه ۲۰ میلیون تن فاضلاب تصفیه نشده به آب‌های داخلی، دریای خزر و خلیج فارس سرازیر می‌شود. روزانه بیش از ۴۵ هزار تن زباله در شهرهای کشور تولید می‌شود که این رقم، جدا از تولید زباله در روستاها و بخش صنعت کشور است. در هر سال دو میلیون تن خاک دچار فرسایش می‌شود. هر سال حدود ۱۱۲ میلیون بشکه نفت معادل ۱۶۰ هزار تن به آب‌های خلیج فارس سرازیر می‌گردد. روزانه ۲۱۶ میلیون بشکه آب مخلوط با نفت خام به دریا می‌ریزد. ۵۰ درصد پستانداران و ۲۰ درصد پرندگان ایران در معرض تهدید و انقراض قرار دارند و ارقام حیوانات حتی در پارک‌های ملی به شدت کاهش یافته است. نزدیک به ۱۶۳ رودخانه آلوده در کشور شناسایی شده که ۷۰-۶۰ رودخانه بیش‌ترین آلودگی را دارند. آلودگی هوا و حوادث رانندگی هر سال ۴۰۰ میلیارد تومان به اقتصاد کشور خسارت وارد می‌سازد. ۹۲ درصد از بیماران ریوی و ۲۰ درصد از بیماران قلبی به دلیل آلودگی هوای شهرها به این بیماری‌ها مبتلا شده‌اند و سهم ایران در انتشار گازهای گلخانه‌ای جهان، دو درصد اعلام شده است که با این وجود ایران از پیوستن به پروتکل کیوتو، خودداری می‌کند.

تهران، پایتخت ۱۲ میلیون نفری ایران، یکی از آلوده‌ترین شهرهای جهان اعلام شده است. مدت‌هاست که مردم تهران، از دیدن آسمان صاف آبی محروم شده‌اند. هر روز صدها انسان در این شهر، در اثر آلودگی هوا دچار بیماری‌های روحی، روانی و جسمی می‌شوند.

آلودگی خیابان‌ها، مدارس، بیمارستان‌ها، اماکن عمومی و کار و حتی منازل را فراگرفته است. یکی از کارشناسان حوزه محیط زیست شهری، کلان شهر تهران را فاقد مدیریت علمی برای کاهش آلودگی هوا می‌داند و معتقد است: «... در همین شرایط آلوده‌ترین صنایع در جنوب و غرب تهران مکان‌یابی شده‌اند که تمامی بار آلودگی را به مرکز تهران منتقل می‌کنند. آلودگی هوا یعنی ورود هر آلایند در هوا به صورت جامد، مایع یا گاز که در مدت زمان معین کیفیت هوا را پایین آورند و به موجودات زنده و تاسیسات انسان‌ساخت آسیب رسانند». کارشناس دیگری می‌گوید: «سیگار دارای ۴۵۰۰ ترکیب است که ۵۰ ترکیب آن سرطان‌زا شناخته شده و مابقی آن مشکوک و برای زیست خطرناک است. چراغ‌های علاءالدین و زغال‌های کرسی بیش‌ترین و خطرناک‌ترین آلودگی را تولید می‌کنند». این کارشناس، در حوزه محیط زیست و آلودگی هوا SI را شاخص اندازه‌گیری آلودگی هوا می‌داند و می‌گوید: «اگر SI بین صفر و ۵۰ باشد وضعیت بین خوب و بسیار خوب متغیر است. اگر این رقم بین ۵۰ و ۱۰۰ قرار گیرد، هوا خوب و در مرحله بعد اگر بین ۱۰۰ و ۲۵۰ در نوسان باشد، به مرحله هشدار نزدیک می‌شود و این رقم در مرز ۳۵۰ بسیار خطرناک است SI. در تهران، بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ طی مدت روز به بالاتر از مرحله هشدار یعنی ۲۵۰ می‌رسد».

از سوی دیگر ترافیک سنگین و خودروهای فرسوده، آلودگی هوا را هر چه بیش‌تر بالا برده است. خیابان‌هایی که برای ۵۰۰ هزار خودرو طراحی شده‌اند، اکنون پذیرای ۲ میلیون خودروی آلوده‌ای هستند که بهداشت و سلامت جامعه در شهر تهران را تهدید می‌کنند.

همچنین بنا به گزارش «پایگاه اطلاع‌رسانی شهرسازی و معماری»، میزان مرگ و میر ناشی از آلودگی هوا فقط در شهر تهران در سال‌های اخیر ۴ تا ۵ هزار نفر بوده و نرخ بروز بیماری‌هایی نظیر سرطان خون در کودکان نیز به ۸ برابر رسیده است.

علاوه بر این، در هفته‌های اخیر خبرگزاری‌های جهان، گزارش‌هایی از شیوع بیماری آنفلونزای مرغی را گزارش می‌کنند و دولت‌های غرب، حداقل افکار عمومی را از وجود چنین مصایبی آگاه

می‌سازند در ایران، با وجود این که شش مورد آنفلونزای مرغی در مازندران تایید شده است، انتشار هرگونه خبر یا مصاحبه در مورد آنفلونزای مرغی از سوی ارگان‌های دولتی ممنوع اعلام گردیده است. محمود فرج‌پور مدیر روابط عمومی اداره محیط زیست استان گیلان، در مورد این بیماری به «میراث خبر» گفت: «برابر دستورالعمل صادره از کابینه و دستور اکید شخص رئیس جمهور، هرگونه خبررسانی درباره آنفلونزای مرغی ممنوع است...» این بخشنامه آشکارا نشان می‌دهد که رژیم با مخفی کردن این مسئله، قصد ندارد اقدامات فوری و ضروری را در جهت پیشگیری این بیماری مسری و کشنده به مرحله اجرا بگذارد. ممنوعیت خبررسانی و بی‌اطلاع گذاشتن مردم ایران، به ویژه گیلان را به شدت نگران ساخته است.

همه این عوامل و اختناق سیاسی، فقر و فلاکت فزاینده در ایران، دست‌به‌دست هم داده‌اند و بنا به اقرار وزارت بهداشت رژیم، ۱۵ میلیون نفر از جمعیت ایران را به نوعی به بیماری روانی مبتلا کرده است. میزان بیماری‌های روانی در زنان دو برابر بیش‌تر از مردان است و ۱۴ درصد از بیماران روانی را جوانان زیر ۱۸ سال تشکیل می‌دهند.

بیماری‌هایی از نوع آنفلونزای مرغی و یا جنون گاوی، ناشی آلودگی محیط زیست و داروهای شیمیایی شیوع می‌یابد که برای پرورش مرغ‌ها و گاوها و ...، مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین روشن است که دلایل و ریشه‌های این نوع بیماری‌های مسری را باید در عملکردها و سیاست‌های سرمایه‌داری جهانی جستجو کرد. تأثیرات نیروگاه‌ها و زباله‌های اتمی، بکارگیری سلاح‌های مخرب و بمب‌های شیمیایی و ...، که در هوا پراکنده می‌شود، یا به دریاها و رودخانه‌ها سرازیر می‌گردد، موقعیت بهداشتی و سلامتی انسان‌ها، طبیعت و حتی حیوانات را نیز در معرض دائمی ابتلا به بیماری‌های مسری قرار داده است. دولت‌ها، عوارض و عواقب طبیعی و انسانی چنین مسائلی را همواره از چشم افکار عمومی مخفی نگاه می‌دارند.

مسئله محیط زیست، یکی از مهمترین مسایل حیاتی بشر و دیگر جانداران است که توسط سیستم سرمایه‌داری جهانی و دولت‌های حامی سرمایه تخریب و در معرض نابودی قرار گرفته است. در چنین شرایطی، قرار است تولیدکنندگان جهان را تغییر دهند، نیازهای بشر را نیز با تداوم اکولوژی دگرگون سازند و به بیگانگی انسان از کار و بیگانگی رابطه انسان با طبیعت و محیط زیست نیز پایان دهند.

تنها طبقه کارگر جهانی، با مبارزه متحد و متشکل و انقلاب خود بر علیه سرمایه‌داری قادر است، جلو کشورگشایی و جنگ و کشتار و استثمار و از جمله نابودی طبیعت و محیط زیست را بگیرد.

دوم نوامبر ۲۰۰۵

* برگرفته از جهان امروز شماره ۱۶۰